

**تأیید نظریه های پزشکی ابن سینا به کمک  
کتاب طبی قدیم و اشعار شاعران پارسی گو**

دکتر لیلا هاشمیان\*

گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا

**چکیده:**

حکیم ابوعلی سینا همواره چونان ستاره ای تابناک در آسمان علم و حکمت ایران زمین و در بین سایر ستارگان فروزان این آسمان، جلوه ای خاص داشته است و ارزش آثار گرانبهای او در همه رشته هایی که در آنها تلاش کرده، بر هیچ کس پوشیده نیست.

در این میان آراء پزشکی ابن سینا از اهمیت والایی برخوردارند تا جایی که کتاب «قانون» او در طب به لاتین ترجمه شده و کتابهای «حاوی» زکریای رازی و «گالن» را نسخ کرده است. کتاب قانون تا سده هفدهم میلادی در دانشگاههای معتبر «من پلینه» و «لورن» تدریس می شده است.

ابن سینا در این اثر که کتابی است در طب اسلامی، نظریه هایی دارد که بسیاری از آنها در سایر کتاب های پزشکی کهن نیز دیده می شوند و به گونه ای می توان به کمک سایر کتب کهن، مهر تأییدی بر نظریه های این دانشمند بزرگ زد و جالب این است که بسیاری از این آراء پزشکی در اشعار شاعران پارسی گوی پیشین نیز دیده می شوند. نگارنده در این مقاله بر آن است تا به کمک کتب پزشکی و اشعار شاعران قدیمی، برخی از نظریه های طبی ابن سینا را تأیید نماید.

به همین منظور، در هر مورد ابتدا پس از ذکر باور ابن سینا و نظری که در آن مورد در آثار طبی خود داده، باورهای سایر نویسندگان و پزشکان قدیمی در آن مورد خاص (به ترتیب زمان حیاتشان) ذکر شده و سپس چنانچه بیت یا ابیاتی در ادبیات فارسی وجود دارند که به گونه ای مهربی تأیید بر آن اعتقاد پزشکی می زنند آنها نیز به ترتیب زمان حیات شاعرانشان آورده شده اند.

واژه های کلیدی:

پزشکی - ابن سینا - اشعار کهن - کتب طبی قدیمی - قانون.

\*نشانی: همدان - بیمارستان تأمین اجتماعی - منازل پزشکان متخصص - منزل دکتر روغنی

تلفن: ۰۹۱۸۱۱۱۷۶۵۲

Email: d\_hashemian@basu.ac.ir

حکیم ابوعلی حسین بن عبدالله ابن سینا، دانشمند و پزشک نامدار ایرانی، از مفاخر بزرگ جهان اسلام است. وی در ادبیات، فقه، منطق، علوم قرآنی، ریاضیات، نجوم، تعلیم و تربیت و بسیاری علوم دیگر سرآمد دانشمندان زمان خود بود؛ اما مهارتش در طب و داروسازی به گونه ای دیگر است، تا جایی که زاد روز او را روز «پزشک» نامیده اند.

همه ما، کم و بیش، داستانهایی از چگونگی طبابت ابن سینا و حذاقت وی در تشخیص بیماریها خوانده یا شنیده ایم و بسیاری از آنها تا حدی جالب و شگفت انگیز هستند که اگر آنها را به فردی غیر از بوعلی نسبت می دادند در قبول کردنشان دچار شک می شدیم.

کتاب «القانون فی الطب» این حکیم نام آور که وی آن را به زبان علمی آن زمان (عربی) نوشته، سالها به عنوان مرجعی مطمئن، مورد استفاده طبیبان قرار گرفته و حتی به لاتین ترجمه شده و تا سده هفدهم میلادی در دانشگاههای «مُن پلپه» و «لورن» تدریس می شده است. این کتاب، ناسخ کتابهای «حاوی» زکریا رازی و «گالن» است.

نگارنده در این مقاله بر آن است تا به کمک بسیاری از کتب کهن پزشکی و اشعار شاعران گوناگون برخی باورهای ابن سینا در علم پزشکی را تأیید کند.

به همین منظور، در هر مورد، ابتدا پس از ذکر باور ابن سینا و نظری که در آن مورد در آثار طبی خود داده، باورهای سایر نویسندگان و پزشکان قدیمی در آن مورد خاص (به ترتیب زمان حیاتشان) ذکر شده و سپس چنانچه بیت یا ابیاتی در ادبیات فارسی وجود دارند که به گونه ای مهری تأیید بر آن اعتقاد پزشکی می زند آنها نیز به ترتیب زمان حیات شاعرانشان آورده شده اند:

### استفاده از گیاه کاسنی در درمان بیماری های کبدی:

(( کاسنی کنش کاهو دارد لیکن گویند همه خاصیتهای کاهو را در بر ندارد، اما به عقیده من هر چند در خاموش نمودن گرمی و در قوت غذایی از کاهو کمتر است در باز کردن و علاج انسداد های کبد از کاهو فعالتر است. در سود رساندن به کبد هر چه تلخ تر بهتر است ... )) (قانون، ص ۱۲۷)

(( ... سده جگر و تبهای گرم و تب مُطَبَّق و درد سینه و تب همه روزه را نیک است و تشنگی بنشانند و

سود دارد هر علتی را که از جگر خیزد و از دل و معده تپش و آماس قوی بنشانند ... )) (فرخنامه، ص ۱۶۰)

به نزدیک خاتون شد آن چاره گر      تبه دید بیمار او را جگر

بفرمود تا آب نار آورند      همان تره جویبار آورند

کجا تره گر کاسنی خواندش      تبش خواست کز مغز بنشاندش

( شاهنامه فردوسی، ج ۹/۱۶۰)



کز سهم تو دیده بود حیران  
بیران فلک به ام صبیان  
( تحفه العراقرین / ۱۵۹ )  
کعبه را از خاصیت پنداشته عود الصلیب  
کز دم ابن الله او را ام صبیان آمده  
( دیوان خاقانی / ۵۶۱ )  
سایر موارد : ( دیوان خاقانی / ۴۲ ، ۳۰۲ ، ۵۲۱ ، ۵۷۲ ، ۱۲۰۷ و ۱۲۱۲ )

### – استفاده از گلاب در درمان سردرد :

«... (گل سرخ) شادابش سر درد را نافع است و گلاب هم سر درد را تسکین دهد...» ( قانون ، ص ۱۳۰ )  
« آب گل موی را زود سپید کند و درد سر که از صفرا بود بنشانند . » ( فرخنامه ، ص ۱۴۱ )  
« یکی از بیماری های سر ، سردرد است ، نوع گرم آن با ترکیب زیر معالجه می شود :  
دو جزء از روغن گل سرخ ، یک جزء گلاب ، یک ششم تا یک چهارم جزء سرکه شراب . مواد فوق را در ظرف شیشه ای خوب به هم زده تا مخلوط شود و سپس قسمتی از آن را روی سر می گذارند ... همچنین بوییدن کافور و صندل و گلاب و بوییدن گل سرخ و گل بنفشه و نیلوفر مفید است . » ( من لایحضره الطیب ، ص ۳۵ )  
« ... دسته گل که درد سر آورد ، هم به دست باغبان اولی تر . چون ریاضت آتش یافت ، درد سر بنشانند ، خدمت سرسرا را آنگاه لایق آید ... » ( منشآت ، ص ۱۵۶ )

درد سر من سر زبانش	برد از دم درد سر نشانش
نطقش چو گلاب برزده سر	کافور به هند عارضش بر
تا درد سرم چو بینداز دور	بنشانند از آن گلاب و کافور

( تحفه العراقرین خاقانی / ۵۶ )

گل در میان کوره بسی درد سر کشید  
تا بهر دفع درد سر آخر گلاب شد  
( دیوان خاقانی / ۱۳۸ )

بیا ساقی امشب به می کن شتاب  
که با درد سر واجب آمد گلاب  
( خمسه نظامی - شرفنامه - / ۱۱۱۴ )

سایر موارد : ( تحفه العراقرین خاقانی / ۱۰۱ ) ، ( دیوان خاقانی / ۶۵ ) ، ( دیوان خاقانی / ۴۶۶ ) ، ( دیوان خاقانی / ۶۵۳ ) ، ( خمسه نظامی - شرفنامه - / ۱۱۵۸ ) و ...

### استفاده از سرگین الاغ برای بند آوردن خون بینی :

حکیم ابن سینا در این باره می فرماید :  
« داروهایی که در بند آوردن خون ریزی [ بینی ] و ریشه کن کردن آن خاصیت ویژه دارند به ترتیب اولویت از این قرارند : سرگین الاغ ، آب ریحان کوهی ، آب نعناع » ( قانون ، ج ۳ بخش ۱ ، ص ۳۰۲ )  
هم او در جای دیگر می گوید :  
« داروهای ساده که در بند آوردن خون ریزی مفیدند از این قرارند : ۱ - آب افشیره شنگ ۲ - کافور ... ۳ - افشیره سرگین تر الاغ که بسیار تأثیر بخش است . » ( همان ، صص ۳۰۲-۳۰۳ )

و در جای دیگر :

« بو کردنیها که برای بند آوردن خون ریزی بینی خاصیت دارند : سرگین هنوز تر الاغ بسیار مفید است ... »  
( همان ، ص ۳۰۵ )

اما این نظریه در آثار سایر دانشمندان نیز مشاهده می شود :

«... و سرگین خر ، خون بینی را منع کند و طریق او آن است که چون تازه باشد او را بسرشند و آب از او بیرون کنند و فتیله ای را در او تر کنند و در بینی نهند تا رعاف را منع کند . » ( صیدنه ، ص ۸۳۹ )  
« اگر سرگین خر بفشارند و سه قطره در بینی چکانند که خون آید خون باز بند . » ( فرخنامه ، صص ۳۷-۳۸ )

ز سرگین خر عیسی ببندم  
رعاف<sup>۱</sup> جاثلیق نا توانا  
( دیوان خاقانی / ۴۳ )

### - درمان گرمی جگر و معده و رفع تشنگی به وسیله تباشیر<sup>۲</sup> :

« تباشیر سوخته ساقه های چوب خیزران است . گویند در هنگام وزیدن باد های سخت ساقه های خیزران از به هم بسودن می سوزند و تباشیر خاکستر این سوختن است . ... تشنگی ، استفراغ ، التهاب معده و نا توانی معده را از بین می برد .... » ( قانون، ص ۱۶۷ )

« .... تبهای تیز را منفعت کند و تشنگی را تسکین کند و رفتن شکم را باز دارد و قی را باز دارد و خفقان را نافع است بواسطه صفرا که در معده بریزد .... » ( صیدنه، ص ۹۱۷ )  
« .... مقوی دل حار [ است ] و بارد معده و جگر حار، قاطع قی صفراوی ... و جهت تقویت اعضای ضعیفه که از حرارت باشد شرباً و ضماداً نافع ... » ( تحفه حکیم مؤمن، ص ۱۷۶ )

حقا که چنان است ز گرمی جگر من  
کاو را نه تباشیر کند سود و نه ریوند

( دیوان امیر معزی / ۱۷۹ )

ما تشنه لبان چو طفل بی شیر  
خلقت همه شیر بل تباشیر

( تحفه العراقین / ۱۵۸ )

هیچ دل گرم را شربت گردون نساخت  
زان که تباشیر اوست بیشترین استخوان

( دیوان خاقانی / ۴۴۶ )

کعبه که سجاده تکبیر توست  
تشنه جلاب تباشیر توست

( مخزن الاسرار نظامی / ۱۰ )

در آتش عشق تو دلم سوخت به یکبار  
وز بهر دوا قرص تباشیر نکردی

( دیوان شمس / ۹۸۲ )

<sup>۱</sup> رُعاف : خون ریزی بینی

<sup>۲</sup> تباشیر : ماده ای سفید رنگ ( از سیلیکا تهی قلیایی ) که آن را از درون نی هندی (خیزران) گیرند و سابقاً در داروها به کار می رفت . (فرهنگ فارسی معین )

### – استفاده از انار در ساخت داروهای چشمی :

از انار به سبب طبع سردش (همچون غوره) در ساخت توتیا و داروهای چشمی بهره می برده اند :  
 « داروهای مفید برای تقویت دید : ... افشره انار میخوش بجوشد تا نصف شود و به هم زند ، یک دوم آن عسل مخلوط کنند و در آفتاب گذارند ، از داروهای تقویت کننده دیده است ... آب انار ترش و شیرین را دو ماه در زیر آفتاب گرم بگذارند و صاف کنند ... » (قانون جلد ۳ بخش ۱ ، ص ۲۵۷)

تیره چشمان روان ریگ روان را در زرد شاف شافی هم ز حصرم هم ز رمان دیده اند  
 (دیوان خاقانی / ۱۷۰)

### – دفع زهر کژدم با نهادن کژدم کشته شده روی جای نیش:

این اعتقاد در طب قدیم رایج بود که پاد زهر بعضی زهرها در درون خود آنهاست ، مثل خوردن افعی به عنوان پاد زهر آن ( افعی) و یا استفاده از کژدم کشته شده برای دفع زهر کژدم:  
 « خود کژدم کشته شده بر جای نیش گذارند علاج خوبیست . گیاهی نیز شبیه دم کژدم است که آن هم نافع است . » ( قانون ، ص ۹۴)

« اگر کژدم بکوبند و بر گزیدگی کژدم نهند سود دارد . » ( فرخنامه، ص ۱۱۳)  
 « ... شکافته آن (= کژدم) را بر موضع گزیده عقرب ببندند جذب سمیت می کند و آشامیدن برشته کرده او جهت قرحه سینه و سرفه و رفع سم عقرب گزیده مفید [است]... » ( تحفه حکیم مؤمن، ص ۱۸۴)

زان که زلفش کژدم است و هر که را کژدم گزید مرهم آن زخم را کژدم نهد کژدم فسای  
 (دیوان منوچهری دامغانی/۱۲۲)

راحت کژدم زده کشته کژدم بود می زده را هم به می دارو و مرهم بود  
 (دیوان منوچهری دامغانی/۱۷۷)

کژدم که رنج و درد دهد مر تورا ، ز تو روزی همان همی بخورد بر زکژدمی  
 (دیوان ناصر خسرو/۴۵۸)

بهره جستن از ترکیب گشنیز با شیر زنی که دختر زاییده در درمان بیماریهای چشم:  
 در تداول عوام ، شیر زنانی که دختر به دنیا می آورند طبع سرد دارد . در طب قدیم از ترکیب این شیر با گیاه گشنیز ( که آن هم سرد است ) برای درمان درد های چشمی بهره می جسته اند:  
 « ... افشره اش (= افشره گشنیز) را در چشم چکانند و به ویژه اگر همراه با شیر پستان زن باشد پرش و ضربان چشم را تسکین دهد . ضماد برگش بر چشم ، چشم را از مواد سیلانی محفوظ دارد . » ( قانون، ص ۱۹۶)

« آب گشنیز زهر است از غایت سردی ... و اگر تخم او با انگبین دود کنند بعد از آن که به شیر مردم تر کنند و بر چشم دردمند نهند بعد از آن که شیر دختران در چشم او دوشیده باشند زود شفا یابد .... » (فرخنامه، ص ۱۶۲)

« .... و اکتحال او (= گشنیز) خصوصاً بعد از آنکه در شیر الاغ یا شیر دختران پرورده کرده باشند جهت رمد و چسبیدن پلک چشم و رفع نزلات و جرب و سلاق مفید است. » (تحفه حکیم مؤمن، صص ۳۶-۳۷)

« شیر زنان موافق ترین شیر هاست و از مرضه دختر سردتر است ... ضماد قطور او جهت درد چشم و خشونت پلک و ترطیب دماغ و درد گوش و ورم و قرحه او مفید ..... » (همان، ص ۲۲۹)

چشم دردی داشت بستان کز سر پستان ابر  
شیر بر اطراف چشم بوستان افشاندند اند

(دیوان خاقانی / ۱۶۰)

بهر دفع درد چشم رهروان ز آب و گیاش  
شیر مادر دختر و گشنیز بستان دیده اند

(دیوان خاقانی / ۱۶۹)

مر چشم درد است و گشنیز نیست  
تو را توتیا رایگان می دهد

(دیوان خاقانی / ۸۹۷)

### – درمان فراموشکاری و بی عقلی به کمک بلاذر<sup>۱</sup> :

«بلاذر، میوه ای است شبیه به هسته خرما و مغزی دارد همچون مغز گردو، شیرین مزه است و بی گزند ... برای رفع فراموشکاری خوب است و لیکن بیماری وسوسه و مالیخولیا را تحریک می کند.» (قانون، ص ۸۷)

گر بلاذر خورد او افیون شود  
سکته و بی عقلیش افزون شود

(مثنوی مولوی / ۷۰۱)

آن بلاذرهای تعلیم و دود  
زیرک و دانا و چستش کرده بود

(مثنوی مولوی / ۹۲۹)

بلاذر است و بلاذر تو را کند زیرک  
خصوص در یتیمی که هست از آن دریا

(دیوان شمس / ۱۳۳)

خمش کن، شد خموشی چون بلاذر  
بلاذر گر ننوشی باش کودن

(دیوان شمس / ۷۲۰)

### – خوردن کرفس و ارتباط آن با کژدم گزیدگی :

«کسی که کرفس خورده اگر به نیش کژدم گرفتار آید کارش دشوار است.» (قانون، ص ۱۹۳)

« کرفس دوایی است ... و از خواص آن یکی این است که کژ دم گزیده اگر بخورد فی الحال بمیرد » (غیاث اللغات)

<sup>۱</sup> بلاذر: میوه ای است مانند هسته خرما و مغز آن چون مغز گردو شیرین، پوستش متخلخل و سوراخ سوراخ و در خلل آن عسله لزج و با بوی، و آنچه در طب استعمال کنند رطوبتی است که در درون آن بود مانند خون، و نیز عسله آن را در پاره ای بیماریها به کار دارند. (لغتنامه دهخدا)

« کرفس گرم و خشک است اندر درجه دوم ... و وقتی که بیم کژدم بود نباید خورد و آن دگر هوام ... » (الابنیه عن حقائق الادویه ، ص ۲۶۲)

« محمد زکریا گوید : هر که به تابستان کرفس خورده باشد اگر کژدم او را بگذرد هلاک شود و همچنین هر که به ناشتا خورده باشد در آن روز زخم کژدم او را هلاک کند . » (فرخنامه ، ص ۱۶۰)

« ... خوردن کرفس قبل از گزیدن عقرب و هوام و به دستور بعد از آن سبب سرعت تأثیر سمیت آن می گردد ... » (تحفه حکیم مومن ، ص ۲۱۷)

مساز عیش که نامردم است طبع جهان      مخور کرفس که پر کژدم است صحن سرا

( دیوان خاقانی / ۱۹ )

زهریست به قهر نفس دادن      کژدم زده را کرفس دادن

( خمسه نظامی - لیلی و مجنون - / ۴۸۸ )

گر تو را نوری ز نفس آمد پدید      زخم کژدم از کرفس آمد پدید

( منطق الطیر عطار / ۱۶۲ )

### - استفاده از مدفوع حیوانات در درمان قولنج :

« مدفوع مرغ خانگی ، داروی قولنج است ... مدفوع گرگ را در آب حل کنند یا در آب بپزند یا در دیگ ابزارهای در روغن جوشیده ریزند و تناول کنند ، در علاج قولنجی که در اثر ورم نباشد مفید است . اما اگر مدفوع گرگ را از خار یا گیاه که بر زمین است برچینند و مدفوع سفید رنگ و نتیجه خوردن استخوان باشد در علاج قولنج مفید تر است ... » ( قانون ، ص ۱۴۳ )

هر چند در سایر کتب مدفوع حیواناتی که ابن سینا در درمان قولنج به آنها اشاره کرده نیامده ، اما از سرگین مگس برای درمان این بیماری یاد شده است :

« سرگین مگس را چون با آب و عسل بنوشد ، جهت ازاله مغص و قولنج و خناق مجرب یافته اند ... » ( تحفه حکیم مومن ، ص ۱۲۲ )

به طبل نافه مستسقیان به خورد جراد      به باد روده قولنجیان به پشک ذباب

( دیوان خاقانی / ۸۲ )

بچه بازی ، برو بر ساعد شاهان نشین      بر مگس خواران قولنجی رها کن آشیان

( دیوان خاقانی / ۴۴۴ )

### - درمان لقوه<sup>۱</sup> به کمک آینه :

« بیمار را وادار می کنند که همیشه به آینه نگاه کند و کجی را درست نماید و اگر آینه کوچک باشد بهتر است . » ( قانون ، ج ۳ بخش ۱ ، ص ۱۹۳ )

<sup>۱</sup> لقوه: فالج و رعشه یک طرف صورت که در نتیجه نیمی از صورت به یک سو بر می گردد و لبها به خوبی به هم نمی رسد و پلک چشم طرف فالج صورت به خوبی بسته نمی شود و دهان نیز به یک طرف کج می گردد . ( فرهنگ فارسی معین )



« لقوه به فتح اول بر وزن قهوه علتی است که دست و پای آدمی از کار باز می ماند و رویش کج می شود .  
گویند حکما آینه ای ساخته اند که صاحب لقوه در آن ببیند صحت یابد .» ( برهان قاطع )

حاسد ز دولت تو گرفتار آن مرض  
کز مس کند برای وی آهنگر آینه  
( دیوان خاقانی / ۵۷۶ )

### – استفاده از بنفشه برای درمان سرفه و نرم کردن سینه:

« بنفشه و به ویژه مربای بنفشه با شکر ، درمان سرفه گرم است و سینه را نرم می نماید . شربت بنفشه  
درمان ذات الجنب و شش است و در این زمینه از جلاب بهتر است .» ( قانون ، ص ۸۶ )  
« .... سرفه را که از حرارت باشد سود دارد و بر و سینه را نرم کند .... و بنفشه که در شکر پرورده  
باشد سرفه را که ماده او گرمی بود دفع کند و شراب بنفشه علت ذات الجنب را و درشتی بر و سینه را سود  
مند است ... » ( صیدنه ، صص ۷۸۹-۷۹۰ )  
« .... جهت صداع حار و سرفه و خشونت سینه و حلق .... نافع [است] و مکرر آشامیدن دو درهم او  
بعد از تعریق در حمام جهت ضیق النفس و ضماد او با موم بر سینه اطفال جهت سعال بغایت مؤثر [است]....»  
( تحفه حکیم مومن ، ص ۵۵ )

« شربت بنفشه جهت تبهای حاره و سرفه و تسکین غلیان خون نافع است ..... » ( همان ، ص ۳۳۲ )  
رنجور سینه ام ، لب و زلفش دوی من  
کاین درد را بنفشه به شکر نکوتر است  
( دیوان خاقانی / ۱۰۰ )

### – درمان آبله به وسیله شربت گیاه کدر<sup>۲</sup> :

« اگر در حین بروز نشانی آبله ، رب یا شراب کادی (=کدر) را با قرصی از قرصهای کافور تناول کنند بهره  
زیاد بینند . » ( قانون ، جلد ۴ ، ص ۱۹۸ )  
« کدر دارویی شریف است . آبله را بگشاید ... » ( الابنیه عن حقائق الادویه ، ص ۲۷۸ )  
« کادی اسم هندی است و به عربی کدر نامند ... مقوی بدن و حواس ... و بثور جگر ... و شربت آن که  
چوب آن را کوبیده بجوشانند و آب آن را با شکر به قوام آورند جهت آبله و حصبه بهترین ادویه است و اهل هند  
را اعتقاد آن است که چون شربت کدر را بنوشند زیاده بر ۹ عدد آبله بر نمی آید ... » ( تحفه حکیم مؤمن ، ص  
۲۱۳ )

بهر دفع تبش آبله را مصلحت است  
از طیبیان که شراب کدر آمیخته اند  
( دیوان خاقانی / ۱۵۶ )  
چون درون آبله دارید کدر باز دهید  
از برون آبله را چاره شراب کدر است  
( دیوان خاقانی / ۲۳۰ )

<sup>۲</sup> سُعال : سرفه

<sup>۲</sup> کدر : رستنی باشد بسیار خوشبوی و آن را « کادی » گویند . شراب آن حصبه و جلدزی (= آبله ) را نافع است تا حدی که کسی را که آبله بیرون  
می آید قدری شراب کادی بیاشامد اگر عدد آن پنج باشد به شش نرسد . ( برهان قاطع )

آنچه آورده شد تنها بخش بسیار کوچکی از باورهای پزشکی ابن سیناست و تمرکز و دقت در سایر آثار و نظریه های این دانشمند بزرگ ، ما را به این اعتقاد می رساند که استادی ابن سینا در جمیع علوم و فنون غیر قابل وصف است و او دانشمندی بی بدیل برای تمام دورانهاست .

چه بسا پزشکی جدید ، با تجزیه و تحلیل صحیح آثار این پزشک گرانقدر و به کمک همین باور های به ظاهر عامیانه و پیش پا افتاده او ، بتواند برای درمان بیماریها راههای نوینی بیابد .

## کتاب نما

- آندراج ، محمد پادشاه بن غلام محیی الدین ، زیر نظر محمد دبیر سیاقی ، انتشارات خیام ، تهران ، چاپ نخست ۱۳۳۵ .
- الابنیه عن حقائق الادویه ، موفق الدین ابومنصور علی هروی ، به تصحیح احمد بهمینار ، انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ دوم ۱۳۷۱ .
- برهان قاطع ، محمد حسین بن خلف تبریزی ، به اهتمام دکتر محمد معین ، انتشارات امیر کبیر ، تهران ، چاپ چهارم ۱۳۶۱ .
- تحفه حکیم مومن ( تحفه المومنین ) ، محمد مومن حسینی ، با مقدمه دکتر محمود نجم آبادی ، کتابفروشی مصطفوی بوذر جمهری ، تهران ، چاپ نخست ۱۳۴۵ .
- تحفه العراقین ، خاقانی شروانی ، به اهتمام دکتر یحیی قریب ، چاپخانه سپهر ، تهران ، چاپ نخست ۱۳۳۳ دیوان امیر معزی ، به تصحیح عباس اقبال ، کتابفروشی اسلامیه ، تهران ، چاپ نخست ۱۳۱۸ .
- دیوان خاقانی ، ویراسته دکتر میر جلال الدین کزازی ، نشر مرکز ، تهران ، چاپ نخست ۱۳۷۵ .
- دیوان شمس تبریزی ، مولانا جلال الدین رومی ، با مقدمه بدیع الزمان فروزانفر ، انتشارات امیر کبیر ، تهران ، چاپ دوازدهم ۱۳۶۷ .
- دیوان منوچهری دامغانی ، به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی ، کتابفروشی زوار ، تهران ، چاپ سوم ۱۳۴۷ .
- شاهنامه ، حکیم ابوالقاسم فردوسی ، به کوشش دکتر سعید حمیدیان ، نشر قطره ، تهران ، چاپ چهارم ۱۳۷۶ .
- صیدنه ، ابوریحان بیرونی ، ترجمه ابوبکر بن علی بن عثمان کاسانی ، تهران ۱۳۵۸ .
- غیاث اللغات ، غیاث الدین محمد بن جلال الدین بن شرف الدین رامپوری ، به کوشش منصور ثروت ، انتشارات امیرکبیر ، تهران ، چاپ نخست ۱۳۶۳ .
- فرخانمه ، ابوبکر مطهر جمالی یزدی ، به کوشش ایرج افشار ، انتشارات امیر کبیر ، تهران ، چاپ نخست ۱۳۴۶ .
- فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، انتشارات امیر کبیر ، تهران ، چاپ ششم ۱۳۶۳ .
- قانون در طب ، ابن سینا ، ترجمه عبدا.. شرفکندی ، انتشارات سروش ، تهران ، ۱۳۶۴ .
- قربادین کبیر ، سید محمد حسین عقیلی علوی خراسانی شیرازی ، بوذر جمهری ، تهران ، بی تا .
- کلیات نظامی گنجوی ، مطابق نسخه تصحیح شده وحید دستگردی ، انتشارات نگاه ، تهران ، چاپ نخست ۱۳۷۲ .
- لغتنامه ، علی اکبر دهخدا ، انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ دوم ( دوره جدید ) ۱۳۷۷ .
- منشآت ، افضل الدین بدیل ابن علی خاقانی ، تصحیح و تحشیه محمد روشن ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۴۹ .
- من لایحضره الطیب ، ابوبکر محمد بن زکریا رازی ، ترجمه دکتر ابوتراب نفیسی ، جهاد دانشگاهی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران ، چاپ نخست ۱۳۶۳ .

هدایه المتعلمین فی الطب ، ابوبکر ربیع بن احمد الاخوینی البخاری ، به اهتمام دکتر جلال متینی، انتشارات  
دانشگاه فردوسی ، مشهد ، چاپ دوم ۱۳۷۱ .